ساعد نیری

ساعدی، پوراندخت

فرزند فتح السلطنه پسر بزرگ مرحوم نیر الدوله بود که کارهای خوب و ارزنده او از قبیل‏ لوله‏کشی شهر مشهد در شصت سال قبل و احداث راه نیشابور بمشهد بنام شریف‏آباد و تعمیرات‏ مفصل گنبد حضرت رضا علیه السلام پس از خرابیهای قزاقان روس و غیره هنوز باقی و زبانزد مردم است.جد مادر او مرحوم محسن میرزا یمین السلطان دارا بود که آثار ادبی و هنری این‏ مرد وارسته و درویش هنوز ضرب المثل است.ساعد در خانواده محترمی در شب 16 رمضان سال‏ 1307 قمری برابر با 1890 مسیحی در نیشابور متولد شد برای تیمن و تبرک نام(حسینعلی) را بر او نهادند و بنا برسم و عادت عصر امیرزاده‏اش می‏نامیدند پس از فوت پدرش که در جوانی‏ واقع شد و او هم جزء سخن‏سرایان عصر خود بود بنام پدر فتح السلطنه خوانده شد از اوان‏ صباوت و بنا بمقتضیات و عادت عصر بفرمانداری نیشابور که زادگاه شعر و ادب و ذوق و شور است منصوب گردید و بعدها ملقب بسردار ساعد گشت در جلگه قشنگ و شاداب و پرطراوت‏ این شهر روح حساس و سرکش و افکار لطیف و پرشور خود را بشکار و شعر و مطالعه کتاب‏ سرگرم میساخت و همیشه شعرا و سخن‏سرایان در اطرافش گرد آمده و کانونی از شعر و ادب‏ در منزلش برپا بود.

تا زنده بود عشق فراوانی که بر فضل و علم و هنر داشت او را همیشه پای‏بند احترام و اکرام نسبت به این طبقه میساخت فضلا و هنردوستان در نظرش گرامی و در اطرافش جمع‏ بودند کتابخانه بزرگی از او بجای ماند که پس از وفاتش متفرق گشت و دیوانی پر از گفته‏های شیرین و پراحساس از او مانده است.دو جلد کتاب مفصل و با روشی تازه و ابتکاری‏ در هر زمینه از سر و مو و تمام اعضای انسان تا عشق و فراق و بی‏وفای گفته‏های سخن‏ پردازان را جمع‏آوری نموده با ذکر نام ثبت کرده و تا اندازهء بیوگرافی از زندگی آنان‏ را نیز شرح داده است که اگر توفیق یاری کند بچاپ خواهد رسید.

بخراسان و شهرهائی که حکمرانی آن را داشت حقیقتا خدمت کرد و در واقع‏ عشق می‏ورزید و عاقبت در سن شصت سالگی در مشهد دار فانی را وداع گفت و در زاویه شمال‏ شرقی ایوان کشیک‏خانه صحن عتیق آستانقدس رضوی بخاک سپرده شد اینک یک رباعی‏ از او آورده میشود:

ای دل که ز عشق توبه‏ام میدادی‏ چون شد ک تو خود بدام او افتادی‏ توبه مرا دادی و اکنون بینم‏ خود توبه شکستی و بعشقش شادی